

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: ۱۳۹۸/۰۱/۲۵

موضوع: کوتاهی نابخشودنی حوزه های علمیه در بحث امامت

(سخنرانی در منزل نوه آقای خاتمی)

فهرست مطالب این سخنرانی:

حوزه های علمیه ما، در بحث امامت کوتاه آمدند!!

شباهت وهابیت از زبان استاد حوزه علمیه اصفهان!!

جنگ فرهنگی دشمن، در درون خانه ها و حوزه های علمیه شیعه!

آیا حاجت خواستن مستقیم از اهلبیت (علیهم السلام) شرک است؟!؟

«سروش»؛ روشنفکری که تاریخ مصرفش گذشت!

گنجینه ای به نام «دانشنامه امامت»!

آیا امام صادق (سلام الله علیه) از امام بعد از خود خبر نداشت؟!؟

آیا در امامت اسماعیل فرزند امام صادق (سلام الله علیه) بداء حاصل شد؟!؟

والله العلی الأعلى مفتیان بزرگ وهابی حرفی برای گفتن ندارند!

ذکر توسل به حضرت زهرا (سلام الله علیها)

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله الحمد لله الذي هدانا لهذا و ما كنا لنهتدى لولا أن هدانا الله

خدا را بر تمام نعمت‌هایش به ویژه نعمت ولایت سپاس می‌گوییم و خدا را شاکریم که به ما توفیق داد در جمع شما عزیزان و بزرگواران و اعظم حضور پیدا کنیم.

موضوع بحثی که دوستان پیشنهاد کرده بودند، در رابطه با بحث امامت، اهمیت امامت، اسامی ائمه اطهار در منابع فریقین و در پایان هم در رابطه با وجود مقدس حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) نکاتی را مطرح کنیم.

حوزه‌های علمیه ما، در بحث امامت کوتاه آمدند!!

من قبل از اینکه عرایض را شروع کنم، ناگزیرم اشاره‌ای داشته باشم بر اینکه شبهاتی که از دیرزمان متوجه فرهنگ اهلبیت و مذهب شیعه بوده است، عمدتاً از ناحیه مخالفین و از قرن هفتم و هشتم به بعد هم، از ناحیه وهابیت بوده است.

ولی متأسفانه در طول چهل سال اخیر، برخی از خودی‌های ما شبهاتی را با آرم شیعه، عالم شیعی و روحانی شیعی مطرح می‌کنند که واقعاً برای انسان قابل تحمل نیست.

افرادی مثل «شیخ حسین مؤید» یا «مهدی موسوی» که پدرش پزشک و عضو هیئت علمی دانشگاه است، مادرش هم پزشک است و پدربزرگش از ائمه جماعات تهران بوده است، ایشان از تهران به استرالیا رفت و از آنجا به امارات رفته و در شبکه‌های ماهواره ای وهابی، شبانه روز علیه شیعه شبهه افکنی می‌کند.

پدر و مادر «سید مهدی موسوی» در دفتر ما آمده بودند. مادرش اشک می‌ریخت، به طوری که قطرات اشکش پی در پی جاری بود. او می‌گفت: من به پسرم شیر حرام ندادم و دائماً وضو می‌گرفتم و به او شیر می‌دادم.

پدر او که پزشک است شوکه شده بود و نمی‌توانست حرف بزند. این شخص جذب وهابیت شده و الآن شبانه روز علیه شیعه خیلی بی ادبانه صحبت می‌کند.

تصور کنید یک بچه شیعه جذب وهابیت شود و از کارشناسان وهابی بدتر صحبت کند. نمی‌دانم این شخص به خاطر مسائل مالی بود یا دلیل دیگری داشت که جذب وهابیت شده است، البته من بررسی کردم و معلوم شد که او در زندگی مشکل مالی نداشت.

شاید رفتن او به جهت پست و مقام بوده است. البته پیوستن به وهابیت برای این افراد پست و مقامی به همراه ندارد.

من احساس می‌کنم حوزه‌های علمیه ما مقداری در بحث امامت کوتاه آمدند. رسالتی که ما در رابطه با بحث امامت داریم که امام صادق می‌فرمایند:

«بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصُّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ»

اسلام روی پنج محور استوار است؛ نماز، زکات، حج، روزه و ولایت.

«وَلَمْ يَنَآذِرْ بِشَيْءٍ كَمَا تُودَى بِالْوَلَايَةِ»

هیچکدام از این اعمال در رتبه ولایت نیست.

الکافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۲،

ص ۱۸، ح ۱

مرحوم کلینی در کافی جلد ۲، پانزده روایت در این زمینه می‌آورد. همچنین در روایت دیگر وارد شده است:

«مَنْ مَاتَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً»

هرکسی بمیرد در حالی که امام خود را نشناخت، به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است.

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۱،

ص ۳۷۷، ح ۳

امام باقر و امام صادق روایاتی در این زمینه با سند صحیح بیان کرده‌اند. اهل سنت هم روایاتی در این زمینه دارند. در کتاب «صحیح مسلم» جلد ۳ صفحه ۱۴۷۸ حدیث ۱۸۵۱ روایتی از «عبدالله بن عمر» نقل شده است که می‌گوید:

«وَمَنْ مَاتَ وَلَيْسَ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ مَاتَ مِثْلَهُ جَاهِلِيَّةً»

هرکسی بمیرد در حالی که بیعت امام در گردنش نباشد، به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است.

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء

التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ۳، ص ۱۴۷۸، ح ۱۸۵۱

«أحمد بن حنبل» رئیس حنابله در کتاب «مسند أحمد بن حنبل» جلد ۴ صفحه ۹۶ روایتی با سند صحیح نقل می‌کند و می‌گوید:

«مَنْ مَاتَ بِغَيْرِ إِمَامٍ مَاتَ مِثْلَهُ جَاهِلِيَّةً»

هرکسی بدون امام از دنیا برود، به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است.

مسند الإمام أحمد بن حنبل، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، دار النشر: مؤسسة قرطبة

- مصر، ج ۴، ص ۹۶، ح ۱۶۹۲۲

این قضیه در رابطه با بحث امامت بحث فرامذهبی است. اهل سنت مشکل خاص خودشان را دارند و توجیهاتی برای خودشان دارند، ولی ما در حوزه‌ها این مسائل را نداریم.

شبهات وهابیت از زبان استاد حوزه علمیه اصفهان!!

دو سه ماه قبل، در یک هفته سه تیم از اساتید بزرگوار و منبری‌های اصفهان به منزل ما آمدند. آن‌ها مدعی بودند شخصی در اصفهان درس خارج تدریس می‌کند و از بعضی مراجع اجازه اجتهاد دارد. او تمام مباحث امامت را زیر سؤال برده است و ادعا می‌کند که ما دلیلی نداریم که پیغمبر اکرم، علی بن ابی طالب را برای خلافت نصب کرده باشد!!

او آیات:

(إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ)

سرپرست و رهبر شما تنها خدا است، و پیامبر او، و آن‌ها که ایمان آورده‌اند و نماز را بر پا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌پردازند.

سوره مائده (۵): آیه ۵۵

و:

(يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ)

ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است کاملاً (به مردم) برسان و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای.

سوره مائده (۵): آیه ۶۷

(الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا)

امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تکمیل نمودم و اسلام را به عنوان آئین (جاودان) شما پذیرفتم.

سوره مائده (۵): آیه ۳

را زیر سؤال برده است. من حرف آن‌ها را باور نکردم و گفتم: مگر امکان دارد کسی که استاد حوزه باشد و گواهی اجتهاد داشته باشد چنین حرف‌هایی بزند؟

آن‌ها جزوه درسی او که در مدرسه صدر اصفهان تدریس می‌کرد را برای من آوردند. خدا می‌داند وقتی من جزوه او را خواندم بدنم به لرزه درآمد و سردرد گرفتم. ما چکار داریم می‌کنیم و به کجا داریم می‌رویم؟! او ادعا می‌کند در حدیث غدیر، بحث نصب مطرح نبود. علی بن ابی طالب معرفی شد ولی رأی نیاورد. به گفته او امیرالمؤمنین همانند یک کاندیدای ریاست جمهوری که چند نفر معرفی شدند و رأی نیاوردند، ایشان هم رأی نیاورد.

او مدعی است ما روایتی نداریم که کلمه «نصب» از ائمه اطهار صادر شده باشد. این در حالی است که ما روایات صحیح و معتبر داریم که امیرالمؤمنین فرمودند:

«وَهُوَ صَاحِبُ يَوْمِ غَدِيرِ حُمٍّ إِذْ قَالَ هُوَ وَصَاحِبُهُ حِينَ نَصَبَنِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَوْلَايَتِي»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۳۰،

ص ۳۱۵، ح ۱۵۲

شاید بیش از چهارده یا پانزده روایت با سند صحیح داریم که واژه «نصب» آمده است. او ادعا می‌کند آنچه می‌گویند پیغمبر اکرم نام ائمه اطهار را ذکر کرده است، همگی دروغ است. واقعیت خارجی همه را تکذیب می‌کند!!

همین الآن که بنده این مطالب را برای شما نقل می‌کنم، بسیار برایم دردآور است. ما نزدیک به بیست و پنج سال است با وهابیت درگیر هستیم و وقتی که می‌خواهیم هم با آنها درگیر هستیم.

ما انتظار نداشتیم روزی به شبهاتی که بعضی از اساتید حوزه‌های علمیه ما مطرح می‌کنند، پاسخ بدهیم. این واقعاً درد است!

خیلی جالب است که ایشان می‌گویند: "آنچه ما می‌گوییم که ائمه اطهار نصب شدند و نام دوازده امام آمده است، اصلاً امام صادق نمی‌دانست امام بعد از خودش حضرت موسی بن جعفر است یا پسرش اسماعیل است!!" وی همچنین مدعی است: "امام هادی خیر نداشت که امام بعد از خودش «سید محمد» است یا امام حسن عسکری است!!"

خیلی عجیب است که می‌گویند: "دلیل اینکه ما می‌گوییم ائمه اطهار یکدیگر را نصب کردند، این است که ما ایرانیان به فرهنگ شاهی عادت کردیم و هر شاهی، شاه بعد از خود را نصب می‌کرد؛ ما به همین دلیل تصور می‌کنیم که ائمه اطهار هم همانند مسئله شاهنشاهی عمل می‌کنند."

او در نهایت می‌گوید: "قضیه نصب، شما را فریب ندهد تا روزی معتقد باشید که ولی فقیه هم منصوب است!!" بعضی افراد دردی دارند که بحث ولایت فقیه و ولی فقیه آنها را می‌سوزاند و جرئت نمی‌کنند علناً بحث ولی فقیه را مطرح کنند. آنها از اهلیت شروع می‌کنند و آن را زیر سؤال می‌برند تا بحث ولی فقیه را هم زیر سؤال ببرند.

سال اول یا دوم ریاست جمهوری جناب آقای «خاتمی» بود. آقای «عبدالله نوری» معمولاً نماز صبح در نماز جماعت آیت الله العظمی شبیری زنجانی در حرم مطهر حضرت معصومه حضور پیدا می‌کرد.

ما معمولاً وقتی به حرم مشرف می‌شدیم، با همدیگر می‌نشستیم و سلام علیکی داشتیم. ایشان در «روزنامه سلام» مقاله‌ای نوشته بود مبنی بر اینکه "ای مردم! علی بن ابی طالب امام شیعیان می‌گوید من خطا می‌کنم!"

«فَإِنِّي لَسْتُ فِي نَفْسِي بِفَوْقِ أَنْ أُخْطِئَ»

"وقتی که علی بن ابی طالب می‌فرماید که من خطا می‌کنم، تکلیف ولی فقیه مکشوف خبرگان رهبری هم روشن است."

من بعد از نماز که در صحن حضرت معصومه قدم می‌زدیم، گفتم: آقای «نوری»! اگر شما در بحث ولایت فقیه مشکل دارید، مرد و مردانه ادله ولی فقیه را نقد کنید. افراد زیادی هستند که بحث ولایت فقیه را نقد کردند. او گفت: مگر دروغ نوشتیم؟! من گفتم: بله دروغ نوشتید. حضرت امیرالمؤمنین در این خطبه فرمودند:

«فَإِنِّي لَسْتُ فِي نَفْسِي بِفَوْقِ أَنْ أُخْطِئَ وَ لَا آمَنْ ذَلِكَ مِنْ فِعْلِي إِلَّا أَنْ يَكْفِيَ اللَّهُ مِنْ نَفْسِي مَا هُوَ أَمْلَكُ

بِهِ مِئِّي»

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص ۳۳۵، خ

۲۱۶ و من خطبه له ع خطبها بصفین

حضرت در این خطبه به صراحت می‌فرمایند: من هم به عنوان یک انسان خطا می‌کنم، اما خدا دست مرا می‌گیرد و نمی‌گذارد خطا کنم. این فرمایش همانند آیه شریفه قرآن کریم است که می‌فرماید:

(قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ)

بگو من فقط بشری هستم همچون شما (امتیازم این است که) به من وحی می‌شود.

سوره كهف (۱۸): آیه ۱۱۰

اگر (یوحیِ اِلی) را از این آیه برداریم، چه معنی خواهد داشت؟ من به او گفتم: با امیرالمؤمنین نجنگید که سیلی حضرت فاطمه زهرا را می‌خورید. حضرت فاطمه زهرا سیلی می‌زند. دیر و زود دارد، اما سوخت و سوز ندارد!!

این شخص، سی چهل جلسه تدریس کرده بود و جزوه تدریس خود را در سایت خود گذاشته بود. از آن زمان که دوستان ما در اصفهان نزد من آمدند و درخواست کردند که با او مناظره کنیم، او این جزوه را از سایت خود برداشت.

یکی از آقایان با او تماس گرفت و از او پرسید که چرا جزوه درسی خود را از سایت برداشتی؟ او گفت: ظاهراً افرادی مطالب مرا به آقای «قزوبنی» گفته‌اند و الآن به صلاح ما نیست که جزوه ما در سایت باشد.

اگر واقعاً اینقدر مردانگی نداری که جزوه خود را در سایت بگذاری، چرا این حرف‌ها را می‌زنی؟! دوستان عزیز! این مسئله‌ای دردآور است.

جنگ فرهنگی دشمن، در درون خانه‌ها و حوزه‌های علمیه شیعه!

یک ماه پیش نزد یکی از مراجع عظام تقلید بودم که یک گلایه تندی از ایشان کردم. بنده معمولاً نسبت به مراجع خیلی مقید هستم و همیشه هم گفتم که دست مراجع را می‌بوسم و به این بوسه هم افتخار می‌کنم. حتی بعضی از مراجع که آن‌ها را قبول هم ندارم، به احترام مقلدینشان به آن‌ها احترام می‌گذارم.

من در محضر ایشان قدری تند شدم و گفتم: چرا شما به قضیه شبهاتی که توسط «قلمداران» مطرح شد، جواب ندادید؟! اولین بار بحث زیر سؤال بردن ولایت ائمه اطهار (علیهم السلام) توسط ایشان مطرح شد. شما جواب

ندادید و بعد از آن «سید ابوالفضل برقی» آن شخص خبیث، آمد همان حرف‌ها را بال و پر داد و به کتب «قلمداران» حاشیه زد.

بعد از او «مصطفی طباطبایی» نوه «میرزا مهدی آشتیانی» صاحب کتاب «حاشیه‌ای بر رسائل» شبهاتی را مطرح کرد. بدبختی ما این است که از ماست که برماست!! آیت الله سبحانی چندین مرتبه می‌گفتند: «مصطفی طباطبایی» ناصبی است. ایشان سپس همان بحث‌های «قلمداران» را با آب و تاب نقل کرده است. در حال حاضر آزادانه در تهران جلسات قرآنی دارد که آن‌ها را ضبط می‌کند و شبکه‌های وهابی پخش می‌کنند.

من از اساتید بزرگوار تقاضا می‌کنم که ما مقداری این قضایا را جدی بگیریم. امروز دشمن جنگ فرهنگی را در درون خانه‌ها و حوزه‌های ما آورده است. همانند اینکه بعضی‌ها ادعا می‌کنند: «یا علی» گفتن و «یا حسین» گفتن ما، شرک است!!

در حالی که آیت الله العظمی بروجردی بارها برای ولایت تکوینی ائمه اطهار به:

«یا مُحَمَّدُ یا عَلِی یا عَلِی یا مُحَمَّدُ اکْفِیانی فَاِنَّکُمْ کافِیانِ اَنْضُرانی فَاِنَّکُمْ ناصِران»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۸۷،

ص ۳۸، ج ۶

استناد می‌کردند، به طوری که تمام شاگردان ایشان از او نقل می‌کنند. تنها همین یک مورد نیست، بلکه ما ادله متعدد دیگری داریم. اگر کسی بگوید: "یا عیسی! فرزندم را زنده کن" آیا کفر و شرک است؟ مگر ما نمی‌گوییم:

(وَ اُحِی الْمَوْتِی بِاِذْنِ اللّٰهِ)

و مردگان را به اذن خدا زنده می‌کنم.

سوره آل عمران (۳): آیه ۴۹

خداوند عالم این قدرت را به حضرت عیسی داده است که مرده را زنده می‌کند. خداوند همان قدرت را به امیرالمؤمنین داده است که به صورت مستقیم حاجت می‌دهد و از خداوند می‌خواهد. امام رضا مستقیم حاجت می‌دهد و از خداوند می‌خواهد. این موارد چیزی نیست که ما بتوانیم آن را انکار کنیم.

آیا حاجت خواستن مستقیم از اهل بیت (علیهم السلام) شرک است؟!

بدبختی ما این است که اساتید ما هم وحشت دارند بگویند که ما مستقیم می‌گوییم «یا حسین» حاجت ما را بده. آن‌ها می‌گویند: «یا حسین» از خدا بخواه حاجت ما را بدهد. ما یا مشکل اعتقادی داریم و یا مبانی علمی آن دست ما نیست.

بنده حدود چهارده سال قبل در «شبکه المستقله» مناظره‌ای داشتم. بعضی از اساتیدی که در آنجا آمده بودند، مطرح کرده بودند که ما مستقیم از ائمه اطهار حاجت نمی‌خواهیم.

من در آن جلسه گفتم: ضمن احترام به این اساتید شیعه، تمام افکار و نظرات ایشان صددرد باطل است. ما معتقدیم خداوند عالم به ائمه اطهار (علیهم السلام) قدرتی داده است و عنایتی فرموده است که می‌توانند با آن عنایت، مستقیم حاجت ما را بدهند یا از خدا بخواهند.

من همانجا گفتم «مرحوم کمپانی» (رضوان الله تعالی علیه) در کتاب «حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری» در بحث بیع فضولی تعبیری دارد که تعبیر بسیار سنگینی است. او می‌نویسد:

«لهم الولاية المعنوية و السلطنة الباطنية على جميع الأمور التكوينية و التشريعية»

ائمه اطهار ولایت معنوی و سلطنت باطنی بر تمام امور تکوین و تشریح دارند.

حاشیه کتاب مکاسب، نویسنده: اصفهانی، محمد حسین کمپانی، ج ۲، ص ۳۷۹، ح ۳۳۷

در خانه اگر کس است، یک حرف بس است! دیگر ما بالاتر از این هم می‌توانیم مطلبی بیان کنیم!؟

در زیارت مطلقه اول امام حسین که «مرحوم محدث قمی» در کتاب «مفاتیح الجنان» آورده است، «شیخ طوسی» در کتاب «تهذیب الأحکام» آورده است، «کلینی» در «کافی» آورده است و «شیخ صدوق» در کتاب «من لا یحضره الفقیه» آورده است و می‌گوید:

«وَقَدْ أَخْرَجْتُ فِي كِتَابِ الزِّيَارَاتِ وَ فِي كِتَابِ مَقَاتِلِ الْحُسَيْنِ ع أَنْوَاعاً مِنَ الزِّيَارَاتِ وَ اخْتَرْتُ هَذِهِ لِهَذَا الْكِتَابِ لِأَنَّهَا أَصْحَحُ الزِّيَارَاتِ عِنْدِي مِنْ طَرِيقِ الرَّوَايَةِ وَ فِيهَا بَلَاغٌ وَ كَفَايَةٌ»

من لا یحضره الفقیه، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج ۲، ص

۵۹۸، ح ۳۲۰۰

در این زیارت بعد از سلام و ذکر عباراتی از جمله:

«بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَ بِكُمْ يَخْتِمُ اللَّهُ وَ بِكُمْ يَمْخُو مَا يَشَاءُ»

می‌نویسد:

«إِزَادَةَ الرَّبِّ فِي مَقَادِيرِ أُمُورِهِ تَهَيَّبُ إِلَيْكُمْ وَ تَضُرُّ مِنْ بُيُوتِكُمْ»

الکافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۴،

ص ۵۷۶، ح ۲

اگر واقعاً مقام ائمه اطهار این است، ما باید قدری در امام شناسی خود تجدید نظر کنیم. مرحوم آیت الله العظمی خوئی در کتاب «بیع» تعبیری دارند که تعبیر بسیار قشنگی است. مضمون عبارت ایشان این است که ائمه اطهار (علیهم السلام) ولایت بر تمام ما سوی الله دارند، چه در حوزه تکوین و چه در حوزه تشریح.

«مرحوم شیخ انصاری» هم همین نظر را دارند، «مرحوم آخوند خراسانی» هم همین نظر را دارند و «مرحوم آقا ضیاء عراقی» هم همین تعبیر را دارند که ولایت اهل بیت، ولایت مطلقه بر تمام ما سوی الله است. اگر این حرف درست است، آیا حاجت خواستن از امام حسین شرک است؟!

«مرحوم نبوی» یکی از علمای بزرگ دزفول بود. شاید اسم ایشان را شنیده باشید، مرد بزرگواری بودند. ایشان برای من مستقیم نقل کرد و گفت: من در زمان آیت الله العظمی بروجردی به مدینه مشرف شده بودم. نماینده ایشان آقای «لواسانی» قضیه‌ای نقل کرد و گفت: روزی امام جمعه مسجد النبی در ماه مبارک رمضان به منزل ما آمد و درخواست کرد برایم قهوه بیاور.

من گفتم: شیخ! مگر روزه نیستی؟ او گفت: برایم قهوه بیاور، چکار داری! من پرسیدم: آیا مریض هستی و عذر داری؟ او گفت: برای من قهوه بیاور.

بعد از اینکه دومرتبه علت را از او پرسیدم، چشمانش اشک آلود شد. او گفت: من به این نتیجه رسیدم که اگر کسی ولایت علی را نداشته باشد، هیچ راه گریزی ندارد. من گفتم: شما که واقعاً به این نتیجه رسیدید، چرا به آن عمل نمی‌کنید؟

او گفت: خدا می‌داند که من خیلی تلاش کردم ولایت علی را در دلم جای دهم، اما هر کاری کردم دیدم ولایت علی در دل من نمی‌رود. من یقین دارم که فردای قیامت جایم در جهنم است. وقتی که می‌دانم، مگر دیوانه هستم گرسنگی بکشم و روزه بگیرم و اذیت شوم؟!

ما روایات متعددی از ائمه اطهار داریم که اگر شیرینی و حلاوت محبت ما را چشیدید، در حق مادرتان دعا کنید که نسبت به پدرتان خیانت نکرد و محبت ما در دلتان قرار گرفته است.

«سروش»؛ روشنفکری که تاریخ مصرفش گذشت!

پرسش:

نظرتان درباره مطالب آقای «سروش» چیست؟

پاسخ:

«سروش» تاریخ مصرفش گذشت و دیگر حرف‌هایش خریدار ندارد. این صدایی که می‌شنوید متعلق به «سروش» است که شاید هزار بار توسط «شبکه کلمه» پخش شده است.

من سال ۱۳۹۰ که آمریکا بودم، «سروش» آنجا سخنرانی داشت. من گفتم: اگر سخنرانی من بعد از سخنرانی «سروش» باشد شرکت می‌کنم، اما به عنوان شرکت کننده حاضر نیستم حضور داشته باشم.

من از تورنتو کانادا هماهنگ کردم آقای «دکتر مصباح» آمدند. «سروش» در آن جمع سخنرانی کرد و همگان بر او هجمه کردند، به طوری که آبرو و حیثیت برای او باقی نماند و توان دفاع نداشت.

زمانی بود که «سروش» یک برو و بیایی داشت، آبرو داشت و حرف‌هایش خریدار داشت. در حال حاضر در آمریکا هم کسی برای حرف‌های «سروش» ارزشی قائل نیست.

گنجینه ای به نام «دانشنامه امامت»!

این آقای اصفهانی ادعا می‌کند ما اسامی ائمه را نداریم، کاری که خداوند عالم به ما توفیق داده و چند سالی است مشغول انجام آن هستیم، "دانشنامه امامت" است. ما در این دانشنامه تمام روایاتی که در رابطه با ولایت و امامت از شیعه و سنی است را جمع آوری کردیم. خدا را شاکریم کار علمی خوبی شده است.

به عنوان مثال آیه شریفه (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ) را علمایی مانند «علامه امینی» یا «میر حامد حسین» حداکثر سی یا چهل صفحه بیشتر وصف نکرده‌اند، اما پرونده علمی آیه ولایت ما از هشتصد صفحه گذشته است.

ما از زمان رسول گرامی اسلام تا عصر حاضر، تمام آنچه شیعه و سنی در خصوص آیه ولایت گفتند را آوردیم. همچنین تمام شبهاتی که اهل سنت یا وهابیت در رابطه با استدلال شیعه به آیه (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ) دارد را آوردیم که تعداد آن به شصت و هشت شبهه می‌رسد.

قوی‌ترین شبهه در این زمینه متعلق به «قاضی عبدالجبار معتزلی» متوفای ۴۱۵ هجری در کتاب «المغنی فی الإمامة» است که «مرحوم سید مرتضی» در کتاب «الشافی» و «شیخ طوسی» در کتاب «تلخیص الشافی» مفصل به آن جواب داده‌اند.

ما تمام شبهات این آیه را آوردیم. یکی از بخش‌هایی که ما کار کردیم که به فضل خداوند تبارک و تعالی است و اگر یک سطر آن مرضی حضرت زهرا (سلام الله علیها) باشد دنیا و آخرت ما آباد است، این است که احادیث مربوط به نام ائمه را آوردیم.

ما احادیث نصوص ائمه اطهار و روایاتی که نام ائمه اطهار از حضرت امیرالمؤمنین تا حضرت ولی عصر آمده است را آوردیم. بنده پس از جمع آوری دیدم ما نزدیک به نود روایت از رسول گرامی اسلام، امیرالمؤمنین، امام حسن مجتبی، امام حسین تا امام حسن عسکری داریم. در این روایات که بخش اعظم آن هم سندا صحیح است نام ائمه از امیرالمؤمنین تا حضرت ولی عصر آمده است.

در مورد حدیث معراج ما چندین روایت داریم که رسول گرامی اسلام در معراج می‌فرماید: من انواری را دیدم و پرسیدم که این انوار چیست. ندا آمد که این انوار اوصیاء توست. سپس وحی آمد که این انوار نور علی بن ابی طالب تا نور حضرت ولی عصر است.

حدیث لوح، مشهورترین حدیث است که حضرت صدیقه طاهره نقل می‌کند، «جابر بن عبدالله انصاری» نقل می‌کند، امام باقر نقل می‌کند. ما سندی که در حدیث لوح است، همه را تصحیح کردیم.

در این حدیث نام ائمه اطهار با تمام ویژگی‌ها بیان شده است. در ماجرای حدیث غدیر ما چندین روایت صحیح در منابع شیعه از جمله کتاب «سلیم بن قیس» و کتاب «کمال الدین شیخ صدوق» داریم که رسول اکرم در روز غدیر خم نام تمام ائمه را به صراحت بیان کرده است.

همچنین در منابع وارد شده است که حضرت خضر در مسجد النبی قضایا را مطرح می‌کند و نام ائمه اطهار را می‌برد و سند این روایت هم صدرصد صحیح است.

بازهم روایت صدرصد صحیح بلکه صحیحه اعلائی وارد شده است که تمام راویان آن افرادی مانند «زراره» و «محمد بن مسلم» و «جمیل بن دراج» و تمام شخصیت‌های شاخص شیعه نقل کردند که امام کاظم در سجده می‌فرماید که نام ائمه اطهار را ببرید و نام آن بزرگواران از حضرت امیرالمؤمنین تا حضرت ولی عصر آورده می‌شود.

این موارد یکی دوتا نیست که ما بگوییم سند یا دلالت روایت مخدوش است، اما در مورد اینکه این آقا می‌گوید: "روایاتی که نام ائمه اطهار را آوردند مسائلی هست که آن را تکذیب می‌کند؛ من هرچه در جزوه این شخص گشتم تا بینم دلیلشان چیست که می‌گویند: "روایاتی که نام ائمه آمده است، اموری آن را تکذیب می‌کنند." پیدا نکردم!

آیا امام صادق (سلام الله علیه) از امام بعد از خود خبر نداشت؟!؟

او ادعا می‌کند امام صادق خبر نداشت امام بعد از خودش «اسماعیل» است یا حضرت موسی بن جعفر است!!

ما نصوص امامت امام کاظم را به پرونده مفصلی تبدیل کردیم و حدود ۶۸ روایت در رابطه با نص بر امامت امام کاظم داریم. جالب اینجاست که ما چند روایت داریم که روز ولادت امام کاظم در آن بیان شده است.

همانطور که می‌دانید امام کاظم در مکه به دنیا آمده است. همان لحظه‌ای که امام کاظم به دنیا آمد، امام صادق فرمود: کودکی که امروز به دنیا آمده است؛

«فهو صاحبکم من بعدی»

در دوران طفولیت، حدود ۸ روایت داریم که از امام کاظم با عنوان «و هو غلام»، «و هو صبی» وارد شده است. افرادی نزد حضرت می‌آیند و حضرت می‌فرماید:

«صاحبکم هذا من بعدی»

در رابطه با قضیه «اسماعیل» ما روایات فراوانی داریم. «مرحوم شیخ مفید» در کتاب «غیبه» و «مرحوم صدوق» در کتاب «کمال الدین» روایات زیادی آورده‌اند. حال در خصوص اینکه قضیه امامت «اسماعیل» پسر امام صادق از کجا نشأت گرفته است داستان مفصلی دارد.

بعضی از شیعیان تصور می‌کردند که امام بعد از امام صادق «اسماعیل» است که من نمی‌خواهم به این موارد ورود پیدا کنم. بعضی افراد می‌گویند:

«أن الإمامة فی الولد الأكبر»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۵۰،

ص ۲۴۱، پاورقی ۴

که من آن‌ها را قبول ندارم. این روایات عمدتاً شبیهاتی بود که زیدیه در آن زمان مطرح کردند و منشأ شبّهات به زیدیه برمی‌گردد.

«شیخ صدوق» در کتاب «کمال الدین» مفصل علیه زیدیه مواضعی بسیار تند گرفته و عبارات بسیار تندی بیان می‌کند که اگر واقعاً در کتاب «شیخ صدوق» نبود، انسان باور نمی‌کرد که ایشان عبارات به این تندی نسبت به زیدیه مطرح کند.

آن‌ها اصلاً به دنبال این بودند که بحث امامت را بعد از امام باقر (علیه السلام) منحرف کنند و اذهان شیعه را به انحراف بکشانند.

روایت بسیار جالبی است که «شیخ صدوق» هم آن را در کتاب خود نقل می‌کند. راوی می‌گوید: ما معتقدیم که امام بعد از امام صادق پسر ایشان «اسماعیل» است.

خدمت حضرت رفتم و سؤالی در رابطه با مسئله حج پرسیدم و حضرت جواب فرمود. «اسماعیل» هم خدمت حضرت نشسته بود و عرضه داشت: پدر تو نمی‌فهمی که این شخص چه می‌گوید.

من با خود گفتم: آیا این شخص می‌خواهد فردا امام ما شود؟! سپس عرضه داشتم: یا بن رسول الله! اسماعیل با شما جسورانه صحبت کرد. حضرت فرمود:

«إِنَّ إِسْمَاعِيلَ لَيْسَ مِنِّي كَمَا أَنَا مِنْ أَبِي»

در این حین امام کاظم (علیه السلام) از در وارد شد:

«فَدَخَلَ عَلَيْهِ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى ع وَ هُوَ يُؤَمِّدُ غَلَامًا فِي يَدِهِ دِرَّةً فَأَقْعَدَهُ عَلَى فَخْذِهِ وَ قَالَ لَهُ بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي مَا هَذِهِ الْمِخْفَقَةُ الَّتِي بِيَدِكَ فَقَالَ مَرَرْتُ بِعَلِيِّ أَخِي وَ هُوَ فِي يَدِهِ وَ هُوَ يَضْرِبُ بِهَا بَهِيمَةً فَأَنْتَزَعْتُهَا مِنْ يَدِهِ فَقَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع يَا فَيْضُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ أَفْضَيْتَ إِلَيْهِ صُحُفَ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى فَأَتَمَمْتُ عَلَيْهَا عَلِيًّا ثُمَّ اتَّمَمْتُ عَلَيْهَا عَلِيًّا الْحَسَنُ الْحُسَيْنُ وَ اتَّمَمْتُ عَلَيْهَا عَلِيًّا بَنُ الْحُسَيْنِ

ثُمَّ اِثْمَنَ عَلَيْهَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَ اِثْمَنَتْنِي عَلَيْهَا أَبِي فَكَانَتْ عِنْدِي وَ لِهَذَا اِثْمَنْتُ ابْنِي
هَذَا عَلَيْهَا عَلِيٌّ حَدَّثْتِهِ وَ هِيَ عِنْدَهُ «

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۴۷،

ص ۲۵۹، ح ۲۷

این موارد یک یا دو موارد نیست که ما سندا و دلالتا بررسی کنیم. اتفاقاً زمانی که بنده این قضایا را بررسی کردم، دیدم این ادله به قدری واضح و روشن است که جای شکی در آن نیست. کلاً واضح است که این شبهه از کجا ریشه گرفته است.

حال افرادی همانند «قلمداران» ادعا می‌کنند که ائمه اطهار خودشان خبر نداشتند که امام هستند! این چه حرفی است که می‌زنید؟! حال یک استاد حوزه حرف این شخص را بگیرد و بدون بررسی سندی و بدون نگاه و تحقیق، اذهان افراد دیگری که در این زمینه کار نکردند را مشوش می‌کند.

عزیزان و سروران عزیز من دست همه شما را می‌بوسم، اما تقاضا می‌کنم که ما باید مقداری تلاش کنیم در کنار فقه و اصول به این مسائل هم پردازیم.

من از کسانی که تدریس می‌کنند، خواهش می‌کنم در لابه‌لای تدریس، یک سری مباحث مربوط به ولایت و امامت را برای طلاب مطرح کنید.

در حال حاضر فضای مجازی بلای جان همه شده است. به تعبیر مقام معظم رهبری فضای مجازی قتلگاه جوانان شده است. بعضی از طلاب گاهی اوقات سؤالاتی از من می‌پرسند که مبهوت می‌مانم این شبهات از کجا در ذهن یک طلبه مطرح می‌شود.

من ریشه را عرض می‌کنم. ما طلاب در حوزه مهدویت و امامت کار نکردیم. ورود ما به حوزه علمیه از "ضرب زید" شروع شده است و در نهایت هم چند مبحث فقهی و وضو و طهارت و نجاست فرا می‌گیریم.

آیا در امامت اسماعیل فرزند امام صادق (سلام الله علیه) بداء حاصل شد؟

پرسش:

ادعا می‌شود که در دو امام بداء حاصل شده است. قرار بود «اسماعیل» امام شود، اما وقتی که از دنیا رفت بداء حاصل شد و امام موسی بن جعفر امام شد. همچنین قرار بود «محمد» امام شود، اما وقتی از دنیا رفت بداء حاصل شد و امام حسن عسکری امام شد.

پاسخ:

تمام روایاتی که در این زمینه است، تماماً ضعیف است و ما به هیچ وجه یک روایت صحیح پیدا نکردیم. «مرحوم شیخ صدوق» می‌نویسد:

«مَا بَدَأَ لِلَّهِ فِي شَيْءٍ كَمَا بَدَأَ لَهُ فِي إِسْمَاعِيلَ ابْنِي.. فَإِنَّهُ يَقُولُ مَا ظَهَرَ لَهُ فِي إِسْمَاعِيلَ

ابنِ إِذْ أَخْتَرَمَهُ فِي حَيَاتِي»

«مَا بَدَأَ لِلَّهِ» یعنی: أَظْهَرَ لِلنَّاسِ. برای بعضی‌ها با توجه به تبلیغاتی که دشمن کرده بود، تصور شده بود که اسماعیل بعد از امام صادق، به امامت خواهد رسید. یا سیدمحمد بعد از امام هادی به امامت خواهد رسید.

اگر ما بداء در حق خدا بگوییم، اصلاً کفر است، به این معنا که خداوند عالم نظری داشت که از نظر خود برگشت. حضرت می‌فرماید: اگر بدائی که عرف ما هست به این معنا که در اراده خداوند عالم تغییر صورت گرفت، کفر است.

البته سند این روایت ضعیف است. ما مفصل روی این قضیه کار کردیم. من مسئله امامت اسماعیل را با سند خدمتتان عرض کنم. «شیخ صدوق» در این روایت می‌نویسد:

«مَا بَدَأَ لِلَّهِ فِي شَيْءٍ كَمَا بَدَأَ لَهُ فِي إِسْمَاعِيلَ ابْنِي.. فَإِنَّهُ يَقُولُ مَا ظَهَرَ لِلَّهِ أَمْرٌ كَمَا ظَهَرَ لَهُ فِي إِسْمَاعِيلَ

ابنِي إِذْ اخْتَرَمَهُ فِي حَيَاتِي لِيَعْلَمَ بِذَلِكَ أَنَّهُ لَيْسَ بِإِمَامٍ بَعْدِي»

کمال الدین و تمام النعمة، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج ۱،

ص ۶۹، باب الشبهة الثانية حول نص الإمام الصادق ع لابنه إسماعيل و البداء فيه

همچنین «شیخ طوسی» در کتاب «الغیبة» می‌نویسد:

«فإن جماعة من الشيعة كانوا يظنون أن الأمر في محمد من حيث كان الأكبر كما كان يظن جماعة أن

الأمر في إسماعيل بن جعفر دون موسى ع فلما مات محمد ظهر من أمر الله فيه و أنه لم ينصبه إماما

كما ظهر في إسماعيل مثل ذلك لا أنه كان نص عليه ثم بدا له في النص»

الغیبة (للطوسی) / کتاب الغیبة للحجة، نویسنده: طوسی، محمد بن الحسن، محقق / مصحح: تهرانی،

عباد الله و ناصح، علی احمد، ص ۲۰۲، باب الكلام علی الواقفة

این روایت همچنین در کتاب «فصول المختارة» اثر «شیخ مفید» هم وارد شده است. مشاهده کنید قضیه

جدید نیست. اصلاً «شیخ صدوق» این قضیه را تحت عنوان "شبهات زیدیه" مطرح می‌کند. تمامی این روایات

عمدتاً توسط زیدیه مطرح شده است.

«شیخ مفید»، «شیخ صدوق» و «شیخ طوسی» به این شبهات پاسخ داده اند. «علامه مجلسی» مفصل پاسخ

داده است. «ملا صالح مازندرانی» در «شرح اصول کافی» جلد ۶ صفحه ۸۹ به این شبهات پاسخ داده است.

«شیخ حر عاملی» در کتاب «اثبات الهدی» جلد ۴ صفحه ۴۰۹ به این شبهات پاسخ داده است.

عرض کردم که ما اضافه بر جواب‌هایی که این بزرگواران آوردند، بررسی سندی کردیم. این چهار روایت سندا مخدوش است. شرط اول انتساب یک روایت به معصوم، بررسی سندی است. وقتی که سند ضعیف و مخدوش است، نمی‌توانیم این مطلب را به امام نسبت دهیم.

مشکل ما این است که در حوزه خوب مباحث امامت مطرح نیست. همانطور که ما در فقه و اصول غور می‌کنیم، در مباحث امامت هم همانطور غور کنیم.

«وَلَمْ يَنَّاذِ بِشَيْءٍ كَمَا تُودِي بِالْوَلَايَةِ»

ما باید به اندازه یک دهم آنچه برای فقه و اصول وقت می‌گذاریم، برای امامت هم وقت بگذاریم. ما این کار را نکردیم و الآن این شبهات وارد خانه‌های ما شده است.

والله العلی الأعلى مفتیان بزرگ وهابی حرفی برای گفتن ندارند!

دوستان می‌دانند من در خاک عربستان بیش از دویست و چهل جلسه مناظره با وهابیت داشتم که مجموع آن‌ها در سه جلد به چاپ رسیده است.

ما نمی‌گوییم همه جا موفقیت به دست آوردیم، زیرا در گُشتی، انسان یک مرتبه زمین می‌خورد و یک مرتبه زمین می‌زند، اما مجموع بحث‌های ما این بود که این افراد حرف برای گفتن نداشتند.

من و جناب آقای «نواب» که در حال حاضر در شورای عالی مدیریت مشغول فعالیت است و در آن زمان مسئول بعثه مقام معظم رهبری بود، سال ۱۳۸۲ یک ساعت با مفتی اعظم عربستان که بالاترین مقام علمی آن‌هاست در طائف درباره مسئله توسل بحث کردیم.

والله العلی الأعلى او حرف برای گفتن نداشت و همان حرف‌های کلیشه‌ای که دبیرستانی‌ها و مفتیان و معلمانشان می‌زنند را تکرار می‌کرد. ما در سه چهار موضوع بحث کردیم و ایشان در نهایت گفت که این روایات ضعیف است.

من گفتم: شما می‌گویید این روایات توسل ضعیف است، در حالی که «ابن کثیر دمشقی» شاگرد «ابن تیمیه» در کتاب «البدایة و النهایة» جلد ۷ صفحه ۱۰۵ می‌گوید که روایت صحیح است. «ابن حجر عسقلانی» در کتاب «فتح الباری» جلد ۲ صفحه ۴۱۲ ادعا می‌کند روایت صحیح است. او مبهوت ماند و شروع کرد به گفتن اینکه توسل از مبانی شرک است.

در این حال یکی از معاونین او گفت: این چه جوابی است که می‌دهید؟! این شیخ می‌گوید «ابن حجر» و «ابن کثیر» که یکی از اجلاء علمای ماست روایت را تصحیح کردند. او گفت: کتاب را بیاورید تا بینم این شیخ راست می‌گوید یا دروغ می‌گوید.

کتاب را آوردند، باز کردند، خواندند و معلوم شد «ابن کثیر» و «ابن حجر» روایت را تصحیح کردند. او معطل مانده بود که چه جوابی بدهد.

خدا را شاهد می‌گیرم هیچ جلسه‌ای نبود که من با وهابیت داشته باشم که آخر جلسه با لذت و خوشحالی از آنها جدا شدم. آنها حرفی برای زدن نداشتند.

بنده با «پروفسور غامدی» که بیست و دو سال در مقطع دکتری در دانشگاه أم القری تدریس کرده است، بیش از سی جلسه مناظره در منزلشان داشتم.

حتی یک جلسه جناب آقای «مبلغی»، «دکتر زمانی» و چند تن از اساتید دانشگاه تهران تشریف داشتند. ما با ایشان چهار ساعت مناظره داشتیم و ایشان اصلاً حرفی برای زدن نداشت.

چندین بار مطالبی از کتب شیعه از جمله کتب امام خمینی و آیت الله العظمی خوئی نقل کرد و من در پاسخ لب تاب را آوردم و نشان دادم و گفتم که حرف شما نادرست است. او در همانجا جلوی جمع اقرار کرد که من اشتباه کردم.

حال اینکه یک مرتبه یک روحانی شیعه و استاد حوزه علمیه این شبهات را بیان کند، واقعاً برای من درد است. همین امروز یکی از آقایان به بنده گوشزد کرد که شما مناظره را با این استاد حوزه علمیه اصفهان پیگیری کنید. خدا شاهد است برای من درد است و همانند مرگ است که بخواهم با این روحانی شیعه در رابطه با اینکه ائمه اطهار (علیهم السلام) منصوب پیغمبر اکرم بودند، مناظره کنم.

ذکر توسل به حضرت زهرا (سلام الله علیها)

ان شاءالله امیدواریم خداوند عالم به همه ما توفیق بدهد. ما از حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) می‌خواهیم که عنایتی کند. اجازه بدهید ما به حضرت صدیقه طاهره توسل کوچکی هم داشته باشیم و از آن بزرگوار در کارهایمان استمداد کنیم.

ما در رابطه با مظلومیت امیرالمؤمنین می‌خوانیم و می‌شنویم، اما زهرای مرضیه تمامی این‌ها را با چشم خود دیده است.

در کتاب «الکوکب الدری» جلد ۲ صفحه ۲۹۶ قضایایی نقل شده است. البته «ابن قتیبه دینوری» در کتاب «الإمامة و السياسة» صفحه ۱۱ و ۱۲ مفصل نقل می‌کند که امیرالمؤمنین را کشان کشان به مسجد آوردند. خلیفه دوم گفت:

«بایع»

بیعت کن.

«فقال إن أنا لم أفعل فمه»

حضرت فرمود: اگر بیعت نکنم چه می‌شود؟

«قالوا إذا والله الذي لا إله إلا هو نضرب عنقك»

خلیفه دوم گفت: قسم به خدایی که غیر از او خدایی نیست گردنت را می‌زنم.

الإمامة والسياسة، أبو محمد عبد الله بن مسلم ابن قتيبة الدينوري، سنة الولادة / سنة الوفاة ٢٧٦ هـ،

تحقيق خليل المنصور، الناشر دار الكتب العلمية، سنة النشر ١٤١٨ هـ - ١٩٩٧ م، مكان النشر بيروت، ج

١، ص ١٦، كيف كانت بيعة علي بن أبي طالب كرم الله

این ماجرا با قلب حضرت صدیقه طاهره که ناظر این قضیه هست چه کرد! «سلیم بن قیس» می‌گوید: حضرت صدیقه طاهره مضطرب با قلبی پریشان دست به نفرین برداشت. «سلمان» می‌گوید: به خدا قسم دیدم که ستون‌های مسجد حرکت کرد.

امیرالمؤمنین فرمود: «سلمان»! زهرا را دریاب. اگر زهرا نفرین کند یک جنبنده در روی زمین زنده نمی‌ماند.

«سلمان» می‌گوید خود را به پای حضرت صدیقه طاهره انداختم و گفتم: یا فاطمة الزهرا! تو دختر رحمة للعالمین هستی. حضرت فاطمه زهرا فرمود: مگر نمی‌بینی که با علی چکار می‌کنند! من گفتم: بی‌بی جان! امیرالمؤمنین مرا فرستاده است. حضرت فاطمه زهرا فرمود: اگر علی تو را فرستاده است، من دست از نفرین برمی‌دارم.

حضرت فاطمه زهرا دست علی بن ابی طالب را می‌گیرد و به منزل می‌آورد. در کتاب «الکوکب الدری» تعبیر بسیار عجیبی نقل شده است. من معمولاً تلاش می‌کنم این قضایا را مستند عرض کنم.

حضرت فاطمه زهرا در برابر امیرالمؤمنین نشست و جمله‌ای گفت که قلب انسان کباب می‌شود. حضرت صدا زد:

«رُوحِي لِرُوحِكَ الْفِدَاءُ وَ نَفْسِي لِئَنْفُسِكَ الْوَقَا يَا أَبَاحْسَنَ إِنَّ كُنْتُ فِي خَيْرٍ كُنْتُ مَعَكَ وَ إِنَّ كُنْتُ فِي شَرٍّ كُنْتُ مَعَكَ»

جانم فدای جان تو، روحم سپر بلاهای جان تو، ای ابوالحسن! اگر تو در خیر و نیکی بودی با تو خواهم بود و اگر در سختی و بلا گرفتار شدی (باز هم) با تو خواهم بود

کوکب الدری؛ مهدی حائری؛ ج ۱، ص ۱۹۶؛ نهج الحیاة، محمد دشتی؛ ص ۱۴۷، ح ۷۵

این نکته را در نظر داشته باشید حال قضیه هجوم به خانه امیرالمؤمنین ظاهراً در مرتبه سوم یا چهارم اتفاق افتاده است که به خانه حضرت فاطمه زهرا می‌آیند.

نمی‌دانم بین در و دیوار چه اتفاقی افتاد، اما امیرالمؤمنین از خانه بیرون آمد و دید حضرت زهرا را مرضیه نقش بر زمین است. حضرت دو جمله دارد که جمله بسیار جانسوزی است. امیرالمؤمنین صدا زد:

«یالیتنی ضربت مکانک»

ای کاش علی را کتک زده بودند.

«یالیتنی مت قبل هذا»

ای کاش علی قبل از این حادثه مرده بود.

علی لعنة الله علی القوم الظالمین و سيعلم الذین ظلموا أی منقلب ینقلبون

نسئلك اللهم و ندعوك باسمك الأعظم الأجل الأكرم بحق فاطمة و أبيها و بعلها و بنىها و سرّ المستودع فيها الهى
يا الله يا الله يا الله...

الهى تو را به:

«أَمَّا حُزْنِي فَسَرْمَدٌ»

حزن من تا قيامت باقى است.

و:

«وَأَمَّا لَيْلِي فَمُسَهَّدٌ»

ديگر شبها از غصه خواب به چشم على نخواهد رفت.

نهج البلاغة، نویسنده: شريف الرضى، محمد بن حسين، محقق / مصحح: صالح، صبحى، ص ۳۲۰، خ

۲۰۲ وَ مِنْ كَلَامٍ لَهُ ع رُوى عَنْهُ أَنَّهُ قَالَ عِنْدَ دَفْنِ سَيِّدَةِ النِّسَاءِ فَاطِمَةَ ع كَالْمُنَاجِي بِهِ رَسُولَ اللَّهِ ص عِنْدَ

قَبْرِهِ

سوگند می‌دهیم فرج فرزند على حضرت حجة بن الحسن را نزدیک بگردان. خدایا ما را از یاران خاص و

سربازان فداکار و شهدای رکابش قرار بده. خدایا انقلاب ما را به انقلاب جهانی‌اش متصل بفرما.

خدایا خدمتگزاران به اسلام و قرآن و اهلبیت در هر لباس و منصبی هستند، بالأخص مقام معظم رهبری موفق و

مؤید بدار.

خدایا به آبروی حضرت فاطمه زهرا بر تمام مجاهدین که در جبهه‌های حق علیه باطل مبارزه می‌کنند به ویژه

عزیزان ما در یمن نصرت نهایی کرم فرما.

خدایا رفع گرفتاری از همه گرفتاران بنما. خدایا حوائج همگان برآورده نما. خدایا حوائج ما و حوائج صاحب بیت را به حق حضرت صدیقه طاهره برآورده نما. خدایا دعاهاى ما را به اجابت برسان.

هدیه به ارواح پاک انبیاء، اولیاء، شهداء، صدیقین، صالحین بالأخص امام راحل صلواتی ختم بفرمایید.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته